

که هیچ اسباب دفاع نداشت بدست آوردند اول کاریکه قشون نمود سرای سلطنتی را ویران کرد و ژنرال کورن انرا آتش زد.
بعد از این فتوحات ملل اروپائی دارای این حق شدند که در پکن سفرا داشته باشند و از این روز بعد تقسیم چین بتوسط دیپلماتهای دانشمند بعمل آمد که شرح آنرا در آتیه ذکر خواهیم کرد.

رأی بقراط

دوباره ملل آسیا

بقراط میگوید: شجاعت و تهور ملل آسیا کمتر از اروپا است و آن معلول دو چیز است یکی تأثیر آب و هوا است زیرا در ممالک آسیا تفاوت بین سرما و گرما انقدر زیاد نیست که تغییرات قوی و فجائی در ابدان سکنه آن ایجاد نماید که موجب نشاط و سرکشی باشد دوم نتیجه انظمه سیاسی آنها است، چه اغلب ممالک مشرق زمین دارای سلاطین مستبد و نامحدود و ظالم است که بهیچ قانونی مقید نیستند و اراده آنها مافوق شرایع است و باینواسطه حس شجاعت و دلاوری کمتر تضح میگیرد - و نادر کسی بشجاعت و مردانگی معروف میشود، زیرا داشتن این صفت فقط باعث این میشود که پادشاهان برای اطفاء شهوت جهانگیری آنها را از وطن و خانه خود دور ساخته و بجنک بفرستند و در نتیجه زراعت و سایر موارد روزی آنها از بین میرود و از این جنک ها جز زحمت و خسارت نمره دیگر عاید خود آنها نمیشود، و بواسطه این ترتیب اگر کسی دارای عقل و رشادتی باشد از اظهار آن خود داری مینماید

همه ما لاف عقل میزنیم ولی اغلب رفتار های ما مخالف عقل است و بیشتر بدستور هوا و هوس حرکت میکنیم در موقع صحبت رعایت احساسات مردم خیلی از رعایت عقل و منطقی مؤثرتر است در صورتیکه سخن جنبه عمومی داشته باشد کاملاً این حقیقت روشن میگردد .

جدال و مناقشه اغلب بسوء تفاهم و دشمنی منجر میگردد و حتی الامکان باید از آن اجتناب ورزید ، ولی اگر ناچار شدید که وارد مجادله شوید سعی کنید که مطلب خود را هر چند بی اهمیت باشد ثابت نمائید ، کمتر کسی پیدا میشود که مناقشه او را قانع کند ، زیرا اقرار به مغلوبیت خیلی سخت است و در صورتیکه با دلیل و برهان نمیتوان حریف را قانع کرد با نهایت اختصار دلایل خود را ذکر نموده بهمین قدر قانع باشید که عقیده او را متزلزل کنید

۲۲۵ طرز سخن گفتن يك علمي است که در زندگانی دارای اهمیت بسیار است ولی باید دانست که اهمیت گوش دادن کمتر از اهمیت گفتن نیست ، شخص نباید هر چه را شنید فوراً انتقاد کرده و تا تمایل طرف مقابل را نداند به نفي یا اثبات چیزی حکم نماید ، زیرا وقتیکه مردم او را شخص مهربان و با ادب شناختند بوی اعتماد کرده و در همه چیز از او مشورت مینمایند .

* * *

منتظر نباشید که در جوانی انگشت نما گردید و عمر خود را برای کسب شهرت تلف بکنید ، بلکه ایام جوانی را صرف آموختن علم کرده و زد و خورد جاه طلبان را از دور تماشا نمائید ، زیرا مردم آخر الامر قدر اشخاص را میشناسند و هر کس بقیمت خود در جامعه معرفی میشود ، لایبریر میگوید « قیمت شخص معلومات اوست »

هیچوقت نباید کسی را با خود دشمن کنید و اگر کسی در صد دشمنی با شما برآمد با نرمی و حسن خلق او را ازخسود دور نمائید ، میگویند : جواب شخص دیوانه را نباید داد . زیرا ممکن است انسان خود

متهم بجنون گردد.

همیشه بخاطر داشته باشید که جواب نرم آتش خشم را فرو مینشانند ، چنانکه قبلا گفتیم احتقار یا استهزاء دیگران از زشت ترین صفات است و اغلب مردم تحمل خسارت را بر شنیدن سخریه و احتقار ترجیح می دهند .

بعضی از اشخاص همیشه گله دارند که مردم حق ایشان را ادا نمی کنند و یا تصور مینمایند که دیگران ایشان را کوچک شمرده و تحقیر میکنند و این خوب خصلتی نیست ، اگر دیدید کسی بشما میخندد خشمگین نشوید و اگر بتوانید با او در خنده شرکت نمائید از قدر و قیمت شما چیزی کم نمیشود و مردم نیز شخصی را که در خنده که خود موضوع آن است شرکت نماید دوست میدارند ، در حقیقت هم این دلیل خوشخوئی و سلامت عقل است ، بعلاوه خود این کار از خنده و تمسخر دیگران خواهد کاست .

۲۲۶

بقدری که بزنگانی مادی شما صدمه نزند آزاد باشید ، راجع بخود خیلی کم حرف بنزید و بگذارید دیگران از خود صحبت کنند ، اگر در موقع صحبت مواظب باشید که کمتر حرف زده بیشتر گوش دهید مودت دوستان خود را کسب خواهید کرد ، زیرا هم صحبت شما هر چه بیشتر شما را متوجه خود دیده و دانست که صحبت او را بدقت گوش میدهید بیشتر شما را دوست میدارد ،

تا يك وظیفه شما را مجبور نکند نباید کسی را بجنون یا سفاهت نسبت دهید ، زیرا گذشته از اینکه او از شما حق گله دارد خودتان نیز بسبک مغزی منسوب خواهید گشت ، این در صورتی که سخن شما متوجه يك نفر باشد ، و اما نسبت دادن سفاهت و عمق به يك ملت غیر از سبک مغزی و حماقت علنی ندارد (بورك میگوید : محال است که من ملتی را خطا کار بدانم ، زیرا حماقتی از این بالاتر نیست که آدم ملتی را تهمت بزند)

بکشید که همیشه بحقیقت خود جلوه کر شوید ، زیرا هیچ عیبی برای انسان ندارد که متظاهر بحقیقت خود باشد ، بلکه عیب در این است که

شخص خود را در لباس حقیقی خوش نشان نهد
گفته (۱) در مناظره خود با ایکارمان (۲) راجع بملت انگلیس و
آلمان میگوید: طریقه زندگانی انگلیسان طوری با اعتماد به نفس و حسن
اخلاق توأم است که در هر جا باشند سیادت خواهند نمود، ایکارمان در
جواب او میگوید: من بشما قول میدهم که هوش و ذکاوت جوانان انگلیس
بیش از جوانان آلمانی نبوده و تحصیلا تشان عالی تر نباشد، گفته میگوید:
عزیزم مدار صحبت این نیست، چیزیکه جوانان انگلیس را از دیگران ممتاز
ساخته این است که کاملاً میتوانند با همان اخلاقیکه فطری ایشان است
مظاهر شوند، تصدیق میکنم که گاهی خیلی احمق میباشند ولی اینهم خود
دارای اهمیتی است!

در تمام کارها و نقشه های خود ثابت قدم بوده و تامیتوانید ازخشم
و غضب دوری نمائید و عادت کنید که نفس خود را محکوم اراده خودسازید
و در وقت لزوم بتوانید سکوت نمائید
در مجالسی که وجود شما لازم نیست منشینید، زیرا مجالسیکه بحضور
شما احتیاج دارد فراوان است

* * *

بعضی اشخاص اصرار دارند که بمردم بفهمانند که خداوند قوه حرف
زدن زیاد بایشان داده است اینان خیلی با ما اختلاف سلیقه دارند
هیچ علمی بهتر و مفید تر از علم مردم شناسی نیست زیرا برای ما
خیلی مهم است که بدانیم از چه اشخاصی باید اجتناب کرد و با چه کسانی
اتحاد مساعی نموده و ایشان را برای دوستی خود انتخاب کنیم کنفوشیوس (۳)

Goethe (۱) مشهورترین شعراء آلمان و دارای مؤلفات بی نظیری
است (۱۷۴۹-۱۸۳۳)

Echoermann (۲) از ادباء آلمان و معروف برفاقت گفته و
دارای کتابی در مصاحبت با اوست (۱۷۹۲-۱۸۵۴)

Confucius (۳) مشهورترین فلاسفه چین و واضع مذهب ادروزی
آنجا (۵۵۱-۴۷۹) ق. م.

میگوید: « شخصی را که بوی اعتماد نداری استخدام مکن و اگر استخدام نمودی باید بوی اعتماد داشته باشی » در حقیقت هم اعتماد به - دوستان و آشنایان خیلی بهتر از سوء ظن است ولی باید يك اعتماد کور کورانه نباشد .

همیشه متین و موقر باشید و از پرگوئی اجتناب ورزید در امثال آمده است که « زبان شخص عاقل در پشت قلب او و قلب آدم احمق در پشت زبان او قرار گرفته ، چه ! هر چه در خاطرش گذشت بر زبانش جاری است نیز در همین معنی گفته اند « در صورتیکه سخن نقره باشد سکوت طلاست » .

بعضی اشخاص با نداشتن غزارت فکری میل زیادی بحرف زدن دارند و نمی دانند که خوبی و بدی سخن فقط نتیجه سلامت یا ضعف عقل است نه طرز حرکت دادن زبان ، لایبریر میگوید « بزرگترین مصیبت ها نداشتن عقلي است که در وقت تکلم بانسان مساعدت کند ، یا حکمتیکه اورا بسکوت وادار نماید »

۲۲۸

از دیمارات (۱) پرسیدند که سکوت شما را سبب کبر و یا عدم قوه ناطقه میباشد جواب داد که احمق کسی است که نتواند سکوت نماید هیچ در این فکر نباشید که ریاست و برتری خود را بر همکنان ثابت نمائید ، زیرا هیچ چیز مردم را به اندازه اینکه بدانند از شما کوچکترند خشمگین نمی سازد .

خبر تازه ای را که دارید بطور تاکید بیان مکنید زیرا ممکن است اشتباه کرده باشید و بسا اتفاق می افتد که حافظه شخص او را دوچار اشتباه مینماید و بیشتر تصورات ما در حقیقت دارای اساس محکمی نیست .. گذشته از تمام اینها اگر حقیقتی را که میدانید بطور تاکید بیان نکنید چه زیان میکنید؟

کمترین فرصتی که برای شما رخ دهد از دست مدهید زیرا چنانکه در مثل است « ما بین لب و پیاله مسافت بسیاری است » و در این دنیا